

ناصرالدین انصاری

آینه پژوهش ۱۸۸
سال سی و دوم، شماره دوم،
خرداد و تیر ۱۴۰۰

درگذشتگان

۲۸۷-۴۷

آیت الله امین عاملی

مرحوم آیت الله سید محمد حسن امین عاملی عالم مشهور شهر صیدا بود. فقید سعید در سال ۱۳۶۶ ق (۱۹۴۶ م / ۱۳۲۶ ش) در شقراء جنوب لبنان در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله سید علی مهدی امین^۱ (م ۱۳۸۰ ق) از فقها و علمای بزرگ شقراء و صاحب کتاب های متعدد فقهی: میراث، وصیت، بیع و شهادت بوده است. آن مرحوم دروس نخستین را نزد پدر بزرگوارش فراگرفت و پس از وفات وی در سال ۱۳۸۰ ق رهسپار نجف اشرف شد و ادبیات و سطوح را در کلیه الفقه نزد حضرات آیات: شیخ محمد تقی ایروانی، سید محمد تقی حکیم، شیخ عبدالمهدی مطر، شیخ محمد مهدی شمس الدین و دکتر عبدالرزاق محیی الدین آموخت. در خلال تحصیل، سطوح عالیہ را نزد حضرات آیات: شیخ مفید فقیه و سید جمال خوبی (رسائل)، شیخ محمد تقی جوهری و شیخ محمد تقی ایروانی (مکاسب) فراگرفت. پس از آن در دروس حضرات آیات: آقای خوبی، سید محمد باقر صدر، سید محمد تقی حکیم و سید محمد حسین حکیم حاضر شد و بهره های فراوان برد. وی در مجلات: النجف، الکلمة و عبقر مقالات فراوان نگاشت. پس از ۱۲ سال اقامت در سال ۱۳۹۲ ق به زادگاهش بازگشت و به تدریس، تألیف، اقامه جماعت، خطابه و قضاوت شرعی در شهر صور و صیدا و جهاد و استقامت در برابر اشغالگری صهیونیسم پرداخت و با نشر مقالات و سخنرانی ها و اشعار و خطابه هایش روحیه جهاد و پایداری در برابر دشمن اشغالگر را در جوانان و مردم شجاع جنوب لبنان برانگیخت. استاد عباس علی موسوی درباره او می نویسد:

السید محمد حسن علم من أعلام علمائنا، ادیب شاعر عالم علامة عامل مجاهد، صاحب منطق و خاطرة حاضر، خطیب مفوه و مُحاضر بارع، اجاد و افاد، له باعٌ واسع في الأدب، اعطى و قدّم و لا يزال له قصب السبق في كل ما ينفع و يفيد و هو يمثل الوجه الاسلامي الشيعي في مدينة صيدا حيث لا تخلو جلسة مهمّة الا و يكون شريكاً حاضراً بل أصبح من الوجوه الاسلامية العالمية، سدّ فراغاً بحضوره و محاضراته و لا يزال الطريق أمامه مفتوحاً لبلوغ القمم العالية.^۲

آثار وی عبارتند از:

۱. الاجتماع العربي الاسلامي
۲. بين القومية و الاسلام
۳. الاسلام و الديموقراطية
۴. نقد العلمنة و الفكر الديني
۵. مساهمات في النقد العربي

۱. الموسوي، علماء ثغور الاسلام، ج ۲، ص ۱۳۲ به بعد.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۶. وضع المرأة الحقوقی بین الثابت و المتغیر
۷. حقوق و واجبات المرأة المسلمة فی لبنان (تألیف گروهی)
۸. الامام الشهيد السيد محمد باقر الصدر، سمو الذات و خلود العطاء
۹. دیوان الامین
۱۰. امالی الامین
۱۱. مطارحات مع السيد محمد حسن الامین
۱۲. مطارحات فی الفكر المعاصر

آن مرحوم در ۷۶ سالگی در روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه سال ۱۴۰۰ ش (۲۸ شعبان ۱۴۴۲ ق) بر اثر بیماری کرونا بدرود حیات گفت و پیکرش پس از نماز آیت الله سید محمد علی امین در قبرستان صیدا نزد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.^۲

حجت الاسلام انصاری

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ جعفر انصاری همدانی یکی از فضیلتی حوزه علمیه قم بود. آن مرحوم در مهرماه سال ۱۳۳۸ ش (ربیع الاول ۱۳۷۹ ق) در قم در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله حاج شیخ رضا انصاری همدانی و مادرش صبیبه آیت الله حاج شیخ محمد ثابتی همدانی است. وی در خلال تحصیل علوم دینی و خارج فقه نزد حضرات آیات: بهجت و خرازی پرداخت. فلسفه و اقتصاد را در مؤسسه در راه حق نزد حضرات آیات: مصباح، مظاهری، دکتر احمدی و استادی و آقایان: دکتر پیروز داوودی و دکتر مسعود درخشان آموخت و کارشناسی ارشد اقتصاد را اخذ کرد و حائز رتبه اول گروه اقتصاد شد از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ مری پایه ۱۰ و همکار علمی مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره) بود و سه دوره بانکداری اسلامی و یک دوره اصول علم اقتصاد را تدریس کرد. رشته تخصصی و تحقیقاتی وی اقتصاد اسلامی بود و مطالعات و تحقیقات وی در این رشته تمرکز داشت. از آثار اوست:

۱. مبانی نظام مالی بانگش اسلامی (چاپ شده، ۱۳۸۶)
۲. بررسی فقهی انواع بیع و نقش آنها در تأمین مالی (رساله کارشناسی ارشد)
۳. بررسی فقهی توزیع منابع یارانه‌ای دولتی
۴. مباحث اقتصادی در تفسیر المیزان

۵. سخنان اهل بیت در مبانی علم اقتصاد (۴ ج)
۶. ترجمه: ساختار پولی و مالی اقتصاد بدون بهره
۷. همکاری در تألیف: درآمدی به مبانی اقتصاد خرد بانگرش اسلامی
۸. همکاری در تألیف: معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن کریم
۹. پاسخ به سؤالات اقتصادی ریاست جمهوری در ۱۳۸۷
۱۰. مجموعه مقالات
۱۱. مبانی بازارها و نهادهای مالی در اقتصاد اسلامی
۱۲. بررسی مشکلات بانکداری بدون ربا در ایران

آن مرحوم در ۶۱ سالگی در روز یکشنبه ۲۹ فروردین ماه سال ۱۴۰۰ ش (۶ رمضان ۱۴۴۲ ق) بر اثر بیماری کرونا بدورد حیات گفت و پیکرش در روز دوشنبه ۳۰ فروردین پس از نماز حجت الاسلام و المسلمین علی محمد ناهیدی در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام تجلی

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد جعفر تجلی یکی از خطبا و فضایی حوزه علمیه قم و از خادمان مشهور قرآن کریم بود. آن مرحوم در سال ۱۳۳۴ ش (۱۳۷۴ ق) در تهران زاده شد و در سال ۱۳۴۸ ش به تحصیل علوم دینی روی آورد و به قم آمد. ادبیات را نزد استاد سید جواد طالقانی و شیخ عبدالقائم شوشتری و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: سید ابوالفضل موسوی تبریزی، شیخ محسن دوزدوزانی، شیخ مصطفی اعتمادی، شیخ غلامرضا صلواتی، شیخ محمد تقی ستوده و شیخ علی نظری منفرد فراگرفت. پس از آن در دروس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی حاضر شد و این درس ها را با حجج اسلام آقایان: شیخ علی اکبر فاضلی و شیخ محمد نقدی مباحثه می کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ به شهرهای اهواز و آبادان رفت و به خدمت در کمیته های انقلاب پرداخت. از سال ۱۳۶۰ وارد سازمان اوقاف و امور خیریه شد و از سال ۱۳۶۸ به بعد در سمت معاونت فرهنگی سازمان، مسئولیت برگزاری مسابقات کشوری و بین المللی قرآن را بر عهده گرفت و قاریان مشهور جهان را به ایران دعوت کرد و شور و نشاط خاصی را در فضای قرآنی کشور پدید آورد. او همزمان با حضور قاریان جهان و به خصوص مصر به تلاش برای برگزاری فنی تر مسابقات، طراحی های ویژه دکور و جایگاه مسابقات، تنوع در رشته ها، افزایش تعداد شرکت کنندگان از کشورهای دیگر، راه اندازی بخش تکثیر نوارهای معتبر قرآن برای توزیع میان قرآن آموزان در سطح کشور، تشکیل شورای عالی قرآن کریم و تأسیس انتشارات اسوه و چاپخانه بزرگ قرآن کریم اقدام کرد. چاپخانه بزرگ

قرآن که در سال ۱۳۶۹ تأسیس شد، در مجموعه‌ای دیدنی و مصفا با معماری خاص، با مدرن‌ترین و بهترین دستگاه‌های لیتوگرافی، چاپ، صحافی، بسته‌بندی و سایر وسایل و تجهیزات مورد نیاز و امکانات رفاهی محیط کار، با رعایت نکات فنی و بهداشتی روز و نیز طهارت ظاهری و معنوی کارگران و متخصصان با دقت و نظارت فراوان ساخته شد. برنامه ریزی و تلاش‌های شبانه‌روزی و اخلاق و رفتار دوست‌داشتنی و دستاوردهای باارزش وی، از جمله به ثمرنشانیدن قانون ورود صاحبان رتبه در مسابقات بین‌المللی بدون کنکور به دانشگاه موجب شد که مسئولان سازمان اوقاف و پیشکسوتان قرآنی دوران خدمت ایشان را در زمره برجسته‌ترین دوران فعالیت‌های قرآنی سازمان اوقاف محسوب کنند. وی پس از آن مدیریت انتشارات دارالحدیث را بر عهده گرفت و انتشارات سرور را تأسیس و صدها عنوان کتاب دینی را با بهترین شکل تولید کرد. وی خطیبی خوش بیان بود که برای منابرش حق‌الزحمه دریافت نمی‌کرد. به نوشته صدیق گرامی جناب آقای واثقی:

وی دلداده اهل بیت پیامبر اکرم بود. منبر خوبی و قدرت اجرایی بالایی داشت. انسانی درستکار و خدوم بود و در عرصه فرهنگی و خدمت به دیگران بانشاط و باحساس مسئولیت بود. جامعه روحانیت عضوی فعال را از دست داد.

صدیق گرامی جناب آقای حمیدرضا کریمی هم می‌نویسد:

خدایش رحمت کناد! اجرایی‌ترین روحانی و منبری که در قم دیده بودم. در هر کجا که توفیق خدمت یافت، آنجا را با تغییرات مدیریتی هنگفت و شگفتی همراه ساخت: چاپخانه بزرگ قرآن کریم، چاپ و نشر دارالحدیث را در اوج درهم ریختگی و نامنظمی تحویل گرفت و به چند ماهی نگذشته آباد و منظم دایش نمود. انتشارات سرور را که با اخوان امامیان (محقق و مهذب آثار علامه مجلسی همچون: حق الیقین و جلاء العیون و حیات القلوب و...) به شراکت نشست، به سرآمد و گل سرسبد چاپ و نشر آثار بی‌بدیل و زیبایی تبدیلش نمود. مجتمع ناشران را که در مرحله ساخت و اوایل بهره برداری در مسند هیئت مدیره درآمد و زینت شهرمان (به لحاظ سازه و دکوراتیو) گشت و نیز انتشارات شخصی خودشان سرور را و همه این توفیقاتش در کنار وظیفه اصلیش که همانا منبر و خطابه حسینی (علیه السلام) بود، انجامشان می‌داد و چه نیک انجام دادنی!

برخی از آثارش عبارتند از:

۱. اگر علی (ع) نبود
۲. از علی (ع) آموز درس زندگی
۳. منتخبی جامع از اصول کافی (۲ ج)
۴. تولید ثروت، بایدها و نبایدها

آن مرحوم در ۶۵ سالگی در روز سه شنبه ۲۴ فروردین ماه سال ۱۴۰۰ ش (۳۰ شعبان ۱۴۴۲ق) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از نماز آیت الله نظری منفرد در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله حسینی کاشانی

مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد حسینی کاشانی یکی از فضلاء محترم حوزه علمیه قم بود. وی در سال ۱۳۱۳ ش (۱۳۵۳ق) در کاشان زاده شد. پدرش را در کودکی از دست داد، ولی با همت و الایش به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد آیت الله حاج شیخ محمود نجفی ادبیات و سطوح را فراگرفت. پس از آن نزد آیت الله میر سید علی یتربی کاشانی خارج فقه و اصول را آموخت. سپس به قم آمد و در دروس خارج آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، اراکی و محقق داماد و دروس فلسفه (شفا و اسفار) و تفسیر علامه طباطبایی حاضر شد. پس از تبعید امام در سال ۱۳۴۳ به مشهد مقدس رفت و سه سال در دروس آیت الله العظمی میلانی شرکت کرد و این درس ها را با حضرات آیات: مؤمن قمی، طاهری خرم آبادی، ربانی املشی و شیخ حسن تهرانی مباحثه می کرد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایندگی مردم اصفهان در اولین دوره مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد. پس از پایان آن به تدریس و شرکت در بحوث فقهی و شورای استفتای آیت الله منتظری روی آورد و از تمام مناصب سیاسی اعراض کرد. فرزند برومندش ثقة الاسلام سید محمد مهدی هم در شلمچه در سال ۱۳۶۶ به خیل شهدای جنگ تحمیلی پیوست.

آن مرحوم در ۸۷ سالگی در روز دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۴۴۲ق (۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ ش) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری در گلزار شهدا جنب مزار فرزند شهیدش به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام شیخ الاسلامی

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر علی شیخ الاسلامی از فضلاء خطبای نامی و از چهره های ماندگار فرهنگی و استاد دانشگاه تهران بود. فقید سعید در سال ۱۳۱۵ ش (۱۳۵۵ق) در اصطهبان فارس در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله میرزا ابوالقاسم اصطهباناتی از شاگردان آیت الله العظمی شیخ محمد جعفر محلاتی و جدش آیت الله میرزا احمد شیخ المحققین ملقب به دانای فارس

و شیخ الاسلام و جد اعلایش میرزا ابوالحسن محقق العلماء (دخترزاده علامه سید جعفر کشفی) بود. مادرش صبیبه محترمه میرزا احمد مؤید الاسلام و نیای مادری اش آیت الله شیخ محمد باقر اصطهباناتی بوده است. وی تحصیل علوم دینی را نزد پدر بزرگوار و دایی اش آیت الله مؤمن اصطهباناتی آغاز کرد. سپس به شیراز آمد و سطوح عالیّه را از آیت الله العظمی شیخ بهاء الدین محلاتی فراگرفت و همزمان به تحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه شیراز پرداخت و به دریافت مدرک کارشناسی نائل آمد و با تحصیل دوره فوق لیسانس و دکترای رشته ادبیات در دانشگاه تهران، به درس آموزی و کسب علم از محضر بزرگانی چون آقایان: جلال الدین همایی، بدیع الزمان فروزانفر، سید جعفر شهیدی و عبدالحسین زرین کوب پرداخت و در سال ۱۳۴۹ به دریافت دکترا نائل آمد. پس از آن به تدریس روی آورد. همچنین به عضویت هیئت علمی و مدیریت در دانشگاه های: تربیت معلم، علامه طباطبایی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. ایشان عضو هیئت مؤسس دانشگاه علامه طباطبایی، رئیس دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی کنونی)، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و چهره ماندگار حوزه ادبیات در سال ۱۳۸۹ و متخصص در علوم: فلسفه، عرفان نظری، کلام و ادبیات و حافظ شناس و محیی الدین شناس نامی کشور بود. جلسات متعدد و متناوب تفسیر قرآن و دیوان حافظ و فصوص را برگزار می کرد، اما با این همه افتخارش لباس روحانیت و منبر و مرثیه امام حسین (ع) بود و مجالس خطابه و منبرایی عبدالله الحسین (ع) را بر همه پست ها و مناصب دانشگاهی اش ترجیح می داد. پسر عمومی گرامی آقای دکتر هادی انصاری می نویسد:

تحصیلات دکتر شیخ الاسلامی و تدریس و استادی ایشان با لباس روحانیت در دانشکده ادبیات چه در رژیم گذشته و چه در نظام جمهوری اسلامی واقعاً ستودنی است. خود می فرمود که یکی از اساتید که با لباس روحانیت دشمنی می ورزید، روزی از من درخواست کرد که در دانشگاه، لباس روحانی و عمامه را کنار بگذارم! که من با صراحت و قاطعیت پاسخ دادم که إن شاء الله عمامه مرا روی جنازه من خواهید دید. دکتر شیخ الاسلامی با حضور خود در دانشگاه و جامعه، نماد یک روحانی واقعی به معنای کلمه را ایفا می نمود. وی مقید بود که از حریم علم و روحانیت و دانشگاه، با عمل و برخورد زیبا و متواضعانه خود دفاع کرده و چنان گردیده بود که با زندگی متواضعانه خود و تربیت فرزندان دانشمند، در جامعه و مردم به تندیس از اعتقاد و عمل تبدیل گردد. شاگردان و دانشجویان استاد مرحوم شیخ الاسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دوره دکترا از اعتقادات قوی، لحن و بیان، علم و عرفان و تسلط در حوزه ادبیات فارسی برخوردارند که خود نتیجه تأثیرات علمی و معنوی آن بزرگ به شمار می آید. یکی از ویژگی های مرحوم دکتر شیخ الاسلامی به وجود آوردن دانشگاهی از علم و معرفت و قرآن و تفسیر و تاریخ و... در درون خانواده خود بود. نزدیک به بیش از سه دهه با این شخصیت برجسته علمی از نزدیک آشنا بوده و به ویژه

در مراسم عزاداری های محرم و نیز در شهادت بانو مجلّه حضرت زهرا(ع) که همواره تکیه کلام او هنگام نام بردن از بانوی دو جهان بود، از سخنرانی ها و منبرهای سراسر ولایتی و پرسود وی در مجالس و انجمن های مشهور تهران، بهره ها می بردم! در دیدارهایی که شرف حضور در خدمتشان داشتم، ضمن ابراز محبت فراوان به بنده همواره می فرمودند که من حسرت خادمی تو را نسبت به اعتاب مقدسه دارم! و ادامه می دادند: اگر بخواهم خیلی صمیمی و از عمق وجود با شما سخن بگویم! این است که همه کارها را رها می کردم، جز خدمتگزاری امام حسین(ع)! یعنی درس دانشگاه، مسئولیت های اجتماعی کارهای خانوادگی و همه آنچه که ارزش به شمار می آید و اکنون اینها را ذخیره زندگی خود به شمار می آورم، نه اینکه اینها کم ارزش هستند، اما علاقه به حضرت امام حسین(ع)، دنیایی و جهانی دیگر است! اگر یک بار دیگر به دنیا بیایم، خوش دارم که حتی از هر چه غیر از امام حسین(ع) است، روحی له الفداء، منصرف باشم و این افتخار رسم خادمی و نام خادمی بر ما رقم خورده باشد و مورد عنایت حضرت باشیم! شور و احساس او هنگام روضه خوانی و حالت درونی وی، ضمن اشاره به شهادت حضرت ابا عبدالله(ع) و به ویژه بانو مجلّه فاطمه زهرا(ع) به گونه ای بود که از آنجا که از سوز دل او برمی خاست، دل و جان حاضران در انجمن را به لرزه درمی آورد! تردید ندارم که عشق و علاقه و سوز دل او به آل الله و نشان خادمی که همواره بدان افتخار می نمود، در این هنگام، مویاننش به استقبال وی آمده و روح پرفتوحش بر سر سفره اربابانش که نزدیک به هفت دهه به ساحت مقدسشان با خلوص عرض ارادت می نمود، قرار خواهد گرفت.

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. خیال، مثال، جمال در عرفان اسلامی
۲. راه و رسم منزل ها (شرح منازل السائرین)
۳. ترجمه جلد ۴ الغدير
۴. زندگی نامه خدیجه کبری و فاطمه زهرا(ع) (ترجمه، از هاشم معروف الحسنی)
۵. برگزیده متون ادب فارسی (با همکاری دیگران)
۶. مجموعه مقالات (در مجلات گوناگون)

و آثار غیر چاپی اش عبارتند از:

۱. ترجمه و شرح قرآن
۲. ترجمه و شرح فصوص الحکم
۳. ترجمه و شرح دعای جوشن کبیر
۴. تو

آن مرحوم در ۸۵ سالگی صبح روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ ش (عید فطر ۱۴۴۲ ق) بر اثر بیماری کبدی بدرود حیات گفت و پیکرش روز جمعه پس از نماز آیت الله سید مهدی روحانی در قبرستان علی بن جعفر قم به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام دارابکلائی

حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ اسماعیل دارابکلایی مازندرانی یکی از فضیلت‌های نامی حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) در روستای دارابکلایز توابع ساری در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله حاج شیخ محمد باقر دارابکلایی از شاگردان آیات عظام: آقای بروجردی و میرزا هاشم آملی بود. وی در سال ۱۳۴۱ ش رهسپار قم شد و ادبیات و سطوح را نزد حضرات آیات: صانعی، مشکینی، فاضل لنکرانی و مظاهری آموخت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: میرزا هاشم آملی، حاج آقا مرتضی حائری و فاضل لنکرانی حاضر شد و در کنار آن به تحصیل دروس فلسفه و اقتصاد در مؤسسه در راه حق نزد حضرات آیات: مصباح یزدی، خرازی، دکتر احمدی و مظاهری پرداخت. از سال ۱۳۶۱ ش به تدریس متون فقهی و اصولی و تفسیری در دانشگاه شهید بهشتی و از سال ۱۳۶۵ به تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و در سال‌های پس از آن به تدریس در مؤسسه در راه حق، مؤسسه امام خمینی، دانشگاه شاهد، دانشگاه الزهراء، جامعه المصطفی و دانشکده سپاه پرداخت و همزمان در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه به تحقیق و تألیف اشتغال داشت. در سال ۱۳۷۵ با پشت سر نهادن دوره‌های عمومی و تخصصی و دفاع از رساله خویش به اخذ مدرک دکتری از وزارت علوم نائل آمد و در سال ۱۳۷۷ ش عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی شد. او علاوه بر تحصیل، تألیف و تدریس سالیان فراوان به تبلیغ دین در شهرها و روستاهای مختلف گیلان و مازندران اشتغال داشت و مقالات فراوانی در مجلات به خصوص مجله نور علم نگاشت.

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. درآمدی بر حقوق اساسی (۲ ج)
۲. درآمدی بر حقوق اسلامی
۳. نگرشی بر فلسفه سیاسی اسلام
۴. علم و دین در آینه معرفت
۵. احکام تجارت از دیدگاه اسلام
۶. منافع ملی از دیدگاه امام خمینی
۷. تفکیک قوا در اندیشه امام خمینی

۸. چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی ایران
۹. پژوهشی در موضوع قدرت: انواع، منابع، پیامدها و کنترل آن

و آثار غیر چاپی اش عبارتند از:

۱. قاعده قبح عقاب بلایان
۲. حقوق اسلام و غرب
۳. جزوه های دروس دانشگاه
۴. تقریرات دروس اساتید

آن مرحوم در ۷۰ سالگی در روز جمعه ۲۷ فروردین ماه سال ۱۴۰۰ ش (۴ رمضان المبارک ۱۴۴۲ ق) بر اثر ابتلا به بیماری کرونا بدرود حیات گفت و پیکرش روز یکشنبه پس از نماز حجت الاسلام محمدی لائینی امام جمعه ساری در قبرستان امامزاده باقروستای دارابکلا در کنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک خفت.

حجت الاسلام اوحدی

حجت الاسلام والمسلمین میرزا حسین اوحدی جاغوری یکی از علمای محترم افغانستان بود. وی در سال ۱۳۱۴ ش (۱۳۵۴ ق) در جاغوری زاده شد. پس از تحصیلات نخستین نزد عمویش شیخ خدابخش رئیس به مدرسه علمیه اوتقول رفت و ادبیات و سطوح را نزد استاد قربانعلی وحیدی جاغوری فراگرفت. در سال ۱۳۳۰ ش به نجف اشرف مهاجرت کرد و ادبیات را نزد مرحوم مدرس افغانی و شرح لمعه را نزد شهید مدنی و سطوح عالیه را (ظاهراً) نزد حضرات آیات: شیخ محمد اسحاق فیاض، شیخ مسلم ملکوتی و شیخ مجتبی لنگرانی آموخت. پس از آن در دروس آیت الله العظمی خوبی حاضر شد و بهره های فراوان برد. هم حجره و هم مباحثه اش پسر خاله اش آیت الله فیاض بود. در سال ۱۳۴۵ ش به زادگاهش بازگشت و سالیان فراوان در مناطق گوناگون ولایت غزنی به ویژه در مدارس علمیه زیرک، قره، اوتقول، انگوری و مجیری به تدریس علوم دینی و تربیت طلاب پرداخت و در جهاد اسلامی مردم افغانستان سهم بارز داشت. در سال های آخر عمرش به شهر کوئته پاکستان کوچید و در آنجا نیز تا آخرین لحظات عمرش دست از تلاش دینی و اجتماعی خود برنداشت و در زهد و انس با قرآن زبانزد همگان بود.

وی در ۸۵ سالگی در روز دوشنبه ۳ خرداد ماه سال ۱۴۰۰ ش (۱۲ شوال المکرم ۱۴۴۲ ق) در کوئته درگذشت و در قبرستان عمومی شهر به خاک سپرده شد.^۴

۴. با سپاس از استاد عبدالمجید ناصری داوودی.

حجت الاسلام مرعشی نجفی

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد جواد مرعشی نجفی یکی از فضایل محترم حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در فروردین ۱۳۲۶ ش (جمادی الاولی ۱۳۶۶ ق) در قم در بیت علم و فقاہت زاده شد. پدر بزرگوارش آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (م ۱۴۱۱)، جدش آیت الله سید شمس الدین محمود مرعشی (م ۱۳۳۸)، جد اعلایش آیت الله سید شرف الدین علی مرعشی (م ۱۳۱۶)، پدر جدش آیت الله سید نجم الدین محمد مرعشی (م ۱۲۶۴) و خاندانش همه از مشاهیر علم و فقاہت و طب و انساب بوده اند. مادرش هم صبیہ محترمه آیت الله سید عباس فقیہ مبرقی قمی (م ۱۳۳۵) داماد آیت الله حاج آقا احمد طباطبایی قمی (برادر بزرگ آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی) بوده است. وی پس از اخذ دیپلم به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات را نزد آیت الله شیخ مهدی بیگدلی قمی و سطوح عالیہ را نزد حضرات آیات: علوی گرگانی، شیخ غلامرضا صلواتی، حاج شیخ صادق نصیری و حاج شیخ احمد کریمی و خارج فقه را نزد پدر بزرگوارش آیت الله العظمی مرعشی نجفی آموخت و در محضر آن مرجع بزرگ بالید و پرورید. به نوشته صدیق گرامی استاد حسنعلی خزائلی:

وی همیشه همراه و ملازم و خدمتگزار پدر در امور مربوط به مرجعیت بود و بیت والد را اداره می کرد. پیوسته قبل از انقلاب و بعد از آن در کنار پدرش با اخلاق نیکو به مشکلات مردم و مراجعین و امور طلاب رسیدگی می کرد. در ایامی که آیت الله مرعشی در صحن حرم حضرت معصومه (ع) قادر به اقامه نماز جماعت نبودند، به جای پدر نماز جماعت را اقامه می کردند که تا مدتی بعد از رحلت والد بزرگوارش ادامه داشت. چون حضرت استاد آیت الله مرعشی در سال های آخر عمر شریفش مشکل چشم داشتند، لذا سید جواد شب ها درس را همراه پدر در منزل تنظیم و آماده می کرد و فردا در جلسه درس در مسجد بالاسر، سرفصل ها را می گفت و سپس حضرت استاد مرعشی این نابغه باهوش باحافظه فوق العاده و با زبان گویا و شیرینی که داشتند به بیان مطلب و استدلال می پرداختند و هر جا روایتی لازم بود که خوانده شود آیت الله سید جواد طالقانی عافاه الله من المرض روایت را می خواندند. سال ها درس خارج مثل کتاب قصاص و دیات بدین منوال گذشت. سید جواد مرعشی بعد از درگذشت والد مکرشان عزلت گزید و تا پایان عمر به صورت آرام و به دور از هیاهو به کارهای طلبگی و امور شرعی و مراجعین پرداخت. گاهی به عنوان یادگار پدر خدمتش می رسیدیم. بسیار تفقد می نمود رحمت خدا بر او باد!

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. خورشید پنهان (ترجمه البیان فی اخبار صاحب الزمان (ع)، کنجی شافعی)
۲. چهره درخشان امام زمان (ع) (ترجمه الزام الناصب فی معرفه الامام الغائب، ۳ ج، شیخ علی

حائری)

۳. نهضت خونین حسین (ع) (ترجمه مع الحسین فی نهضته، اسد حیدر)
۴. مناقب الامام امیر المؤمنین (ع) (ترجمه المناقب ابن مغازلی)
۵. قهرمان کربلا زینب کبری (ع) (ترجمه السیده زینب)
۶. اخبار زینبات (ترجمه اخبار الزینبات عبیدلی)

آثار غیر چاپی اش عبارتند از:

۱. تقریرات درس فقه آیت الله مرعشی (حدود و قصاص و دیات)
۲. تقریرات درس جواهر آیت الله حاج شیخ احمد کریمی
۳. ترجمه لثالی الاخبار (محمد نبی تویسرکانی)
۴. رساله رأس الحسین

آن مرحوم در ۷۴ سالگی در روز جمعه هشتم شوال ۱۴۴۲ (۳۱ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰) بدرود حیات گفت و پس از تشییع شایسته و نماز حجت الاسلام و المسلمین سید محسن سبط در روز دوشنبه سوم خرداد ماه سال ۱۴۰۰ به نجف اشرف منتقل شد و در قبرستان وادی السلام به خاک خفت. آیت الله العظمی صافی در پیام تسلیت خویش نگاشت:

بسمه تعالی

إنا لله وإنا الیه راجعون

درگذشت عالم ربانی جناب مستطاب حجة الإسلام والمسلمین آقای حاج سید جواد مرعشی رحمة الله علیه، موجب تأسف و تأثر گردید. آن فقید سعید دارای مکارم اخلاق و صفات برجسته انسانی بود. تألیفات و تحقیقات ارزنده ایشان در باب ولایت و امامت حضرت بقیة الله الاعظم ارواح العالمین له الفداء و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) ذخیره جاودانی برای عالم آخرت آن مرحوم است. اینجانب این مصیبت را به جنابعالی و بیت شریف مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و بیت مکرم مرحوم آیت الله سبط رضوان الله تعالی علیهما تسلیت گفته؛ رضوان و رحمت الهی را برای آن مرحوم از خداوند متعال مسئلت دارم.

۱۰ شوال المکرم ۱۴۴۲

لطف الله صافی

حجت الاسلام محبی

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ غلامرضا محبی یکی از فضلا و اساتید نامی حوزه علمیه

مشهد مقدس بود. فقید سعید در سال ۱۳۲۰ ش (۱۳۶۰ ق) در فردوس زاده شد. در نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد و جامع المقدمات را آموخت. سپس به مشهد مقدس آمد و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری، معالم و شرح منظومه را نزد استاد محمدرضا حکیمی، شرح لمعه را نزد آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی، مکاسب (محرمه) را نزد آیت الله شیخ مجتبی قزوینی، بیع را نزد آیت الله شیخ محمدرضا مهدوی دامغانی و کفایه را نزد حضرات آیات: سید ابراهیم حجازی و شیخ عباس نژاد فراگرفت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: آقای میلانی، وحید خراسانی و میرزا علی فلسفی حاضر شد. وی دروس اعتقادات و معارف را نزد آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و آقای حاج سید محمود مجتهدی و تفسیر را هم نزد آیت الله میرزا جواد تهرانی (به مدت ۱۴ سال) تحصیل کرد و تقریرات آن را نگاشت. صدیق گرامی استاد حسن طالبیان شریف می نویسد:

استاد محبی از مجالست اساتید برجسته علمی و معنوی حوزه علمیه مشهد بالاخص آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده نمود و مجالست با معظم له صفای نفس و معنویت خاصی به ایشان منتقل نمود که در حالات معنوی وی مشاهده می گردد. استاد محبی، خوش اخلاق، خوش طبع و خوش گعده بود و سال های زیادی در حوزه مشهد، به تدریس فقه، اصول، عقاید و اخلاق پرداخت و طلاب و فضلاء زیادی را پرورش داد که اینک از اساتید حوزه و دانشگاه و مؤلفین و محققین حوزه هستند. اینجانب اصول فقه مظفر را از محضر ایشان آموختم. به وی بسیار علاقه داشتم. با عشق اهل بیت (ع) از جمله امام رضا (ع) رشد کرد و پرورش یافت. او عمرش را در راه تحصیل معارف قرآن و عترت و تدریس و نشر این معارف سپری نمود. همیشه تذکر می داد: «علما و بزرگان را اکرام و احترام کنید و از محضر علمی و معنوی آنها استفاده کنید، ولی مواظب باشید که آنها «معصوم» نیستند و احتمال خطا و لغزش دارند. فقط دل به اهل بیت (ع) دهید و تمام توجه خود را به اهل بیت (ع) داده و از ایشان تبعیت و پیروی نمایید. وقت خود را جای دیگری صرف ننمایید. نجات در خانه اهل بیت (ع) است.» به این مطلب اعتقاد داشت و شاگردان خود را این گونه تربیت می نمود. عمرش را در ترویج عقیده توحید سپری نمود و بنده خالص او بود. از خوف خدا می ترسید و به لطف او امیدوار بود. یادش بخیر و هنوز از یاد نمی برم که گاه و بیگاه از ته دل «یا الله» می گفت و از یاد خدا فراموش نمی کرد. او نامش «غلامرضا» بود و واقعاً غلام امام رضا (ع) بود و عاشق زیارت امام رضا (ع). عمری از عشق امام حسین (ع) دم زد و ذکر فضایل و مناقب ایشان نمود و زائر ایشان بود و در مصیبت امام حسین (ع) بسیار گریست، خود سوخت و گریه کرد و دوستان حضرت را نیز سوزاند و گریاند. شب ها ماه مبارک رمضان و سحرها دعای ابو حمزه ثمالی را می خواند و گریه می کرد و از خدا طلب عفو و بخشش می نمود.

از آثار اوست:

۱. تقریرات درس تفسیر آیت الله میرزا جواد تهرانی

۲. تقریرات درس اصول آیت الله میرزا علی فلسفی

۳. تقریرات منبرهای علامه امینی در مدرسه نواب

آن مرحوم در ۸۰ سالگی در روز دوشنبه ۲۱ رمضان المبارک ۱۴۴۲ق (۱۳ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ش) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از نماز آیت الله سید جعفر سیدان در قبرستان بهشت جواد الائمه (ع) روبروی خواجه اباصلت به خاک خفت.

آیت الله امامت

مرحوم آیت الله آقای حاج سید عزیز الله امامت، از مشاهیر علمای کاشان بود. معظم له در شب جمعه ۵ ماه مبارک رمضان ۱۳۴۸ق (۱۸ بهمن ۱۳۰۸ش)، در کاشان، در بیت علم و فقاقت زاده شد. پدرش آیت الله حاج سید فخرالدین امامت (۱۲۹۲-۱۳۹۲ق) - از تلامذه آیات عظام: ملا حبیب الله شریف کاشانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری - و مادرش صبیبه محترمه آیت الله ملا حبیب الله شریف بوده است. آن مرحوم، نخست ادبیات را نزد برادر بزرگوارش آیت الله سید فضل الله امامت و سطوح عالیہ را نزد پدرش و حضرات آیات: سید حسین رضوی و شیخ محمود نجفی آموخت و در ۲۰ سالگی (۱۳۶۸ق) به تهران رفت و مدتی از دروس حضرات آیات: سید ابوالقاسم کاشانی و شیخ محمد غروی کاشانی و در قم هم چند سالی از دروس آیات عظام: آقای بروجردی، حجت کوهکمری، صدرالدین صدر و سید محمد تقی خوانساری بهره برد. سپس رهسپار کربلا شد و سالی چند در دروس آیت الله العظمی میرزا مهدی شیرازی حاضر شد و از او به دریافت اجازه اجتهاد نائل آمد و پس از آن به نجف رفت و از دروس آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، آقای حکیم و آقای خوبی بهره مند شد و پس از آن به مشهد آمد و از دروس آیات عظام: آقای میلانی و حاج میرزا احمد کفایی و دروس فلسفه حاج سید ابوالقاسم بلخی بهره برد و با کسب اجازات متعدد روایی و حسبیه از مراجع تقلید قم و نجف به زادگاهش بازگشت و به خدمات دینی، علمی و اجتماعی پرداخت و سالیان فراوان، در خانه اش از بام تا شام به روی مردم باز بود و به رفع گرفتاری ها و مشکلات آنان می پرداخت. تألیف و تدریس و برگزاری جلسات تفسیر و کمک به نیازمندان و شرکت در احداث بناهای خیریه و تأسیس حسینیه (در مشهد اردهاال) و کمک به فقیران و اطعام میهمانان و سفره داری و گره گشایی و ارتباط با مردم اقامه جماعت (در مسجد سلطانی) و استخاره و اعطای ادعیه و ختومات و خطابه و منبر و شرکت در مجالس حسینی مردم بخشی از کارهای وی بود.

صدیق گرامی آقای علی قنبری بیدگلی می نویسد: «آیت الله امامت هر روز ظهر (حتی روزهای جمعه)

در مسجد باشکوه مدرسه سلطانی اقامه جماعت می نمود و شب ها نیز در مسجد بزرگ صادقیه نماز می خواند که با استقبال عجیب و ازدحام علاقمندان و ارادتمندان ایشان همراه بود. در طول روز هم از صبح علی الطلوع تا یک ساعت به ظهر در حسینیه خود می نشست و جوابگوی مردمان گرفتار و فقرا و نیازمندان بود. علی رغم اتهام مخالفینش حاجب و درباری نداشت و کیسه ای هم برای مال مردم ندوخته بود. بدون هیچ چشمداشتی در رفع نیاز مردم می کوشید و از تهمت ها و اهانت های جاهلان با بی اعتنایی درمی گذشت. کاشان به دلیل اقتضائات و ظروف اجتماعی خاصی که دارد و اکنون جای توضیح آن نیست از دیرباز تا کنون آشیانه سودجویان از خدا بی خبری بوده که در پوستین ساحری، بر گرده مردم مظلوم این سامان سوار شده و با به خطر افکندن جان و مال و ناموس آنها، اعاشه می کنند لذا از همان آغاز عالمان متقی و اهل ورع، از روی وظیفه و تکلیف شرعی به آموختن فنون ابطال سحر و طلسم پرداخته و افسون این رجاله ها را از بین می بردند و آرامش را به زندگی ها بازمی گرداندند. پیش از مرحوم امامت والد بزرگوارشان و جزوی امثال مرحوم آیت الله سید محمد علوی بروجردی (معروف به سیدباغ) نیز بخشی از وقت شریف خود را صرف کتابت ادعیه مأثوره و رفع مشکلات گرفتاران و نیازمندان می نمودند. نکته دیگر درباره ایشان قدم راسخ در تهجد و سحرخیزی، اذکار و ختومات، مناجات و تلاوت قرآن در دل شب های تاراست. در اثر همین نفس گرم ایشان بود که جوانان زیادی با دو جمله نصیحت مشفقانه آن مرحوم از غفلت های پیشین خود دست شسته و توبه کرده اهل نماز و روزه می شدند و به آغوش خدای مهربان بازمی گشتند. آن مرحوم همیشه دستگیر فقرا و گرسنگان بود، هیچ دلی را نرجاند با رفتارش هیچ کس را از دین خدا بیزار نکرد. در طول قریب به یک قرن زندگی با سخنان و مواضعش هیچ ظلمی را به جان و مال و آبروی بندگان خدا به گردن نگرفت و با کوله باری سبک، آسوده و خرامان رهسپار ملکوت اعلی شد.

رفتی و رفتن تو داغی نهاد بردل / از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل».

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. معراج المشتاقین
۲. معراج السالکین (شرح اسماء الحسنی)
۳. معراج الذاکرین (در فضیلت ذکر)
۴. معراج الناسکین
۵. معراج المؤمنین (در فضیلت نماز)
۶. معراج الصائمین (در فضیلت و احکام روزه)
۷. معراج العاشقین (در تفسیر سوره حمد و قدر)
۸. معراج العارفین
۹. مصباح الذاکرین

۱۰. مجمع الفوائد
۱۱. تبصرة العوام (در مسئله امر به معروف و نهی از منکر)
۱۲. تبصرة الناسکین (در احکام حج)
۱۳. زندگانی حضرت سلطان علی ابن محمد باقر
۱۴. زندگانی حضرت هلال بن علی بن ابی طالب
۱۵. زندگانی حضرت آقا علی عباس
۱۶. زندگانی بابا شجاع الدین
۱۷. گوهرهای تابناک (امامزادگان معتبر ایران)
۱۸. لوح فاطمیه
۱۹. تذکرة الشعرا
۲۰. فوائد العلیه (در علم جفر و جامعه)
۲۱. رساله نمازهای مستحبی
۲۲. شرح زیارت عاشورا
۲۳. مقتل الحسین
۲۴. بهداشت امامت
۲۵. ترجمه و تحلیل قانونچه طب بوعلی
۲۶. تحفة الامامیه
۲۷. استفتائات
۲۸. اجوبة المسائل
۲۹. منبع الفرائد
۳۰. رساله غدیریة
۳۱. رساله نوروزیه
۳۲. کشکول امامت (۳ ج)
۳۳. برگزیده آثار سید فخرالدین امامت

آن مرحوم در ۹۲ سالگی در روز سه شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۰ ش (۱۳ شوال ۱۴۴۲ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش عصر روز پنجشنبه ۶ خرداد پس از تشییع باشکوه و کم نظیر و نماز آیت الله سید محمد یثربی کاشانی بر آن، در مقبره خانوادگی در امامزاده یوسف (در میدان کمال الملک)، در جوار پدر و برادر بزرگوارش به خاک خفت.

آیت الله محامی

مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ مرتضی محامی یکی از علمای محترم مشهد مقدس به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۳۵۳ ق (۱۳۱۳ ش) در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله حاج شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای از شاگردان ممتاز آیت الله میرزا مهدی اصفهانی بود. آن مرحوم ادبیات را نزد پدر بزرگوارش و شرح لمعه و قوانین را نزد آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی و سطوح عالییه را نزد آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و مقداری از خارج اصول را نزد پدرش آموخت. سپس رهسپار قم شد و از دروس آیات عظام: آقای بروجردی و امام خمینی و در نجف اشرف نیز به مدت سه سال از دروس فقه و اصول آیت الله العظمی خویی بهره برد. پس از آن به زادگاهش بازگشت و ۱۷ سال از دروس آیت الله العظمی میلانی و دروس معارف و شرح اشارات آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی استفاده کرد و با اشکالات و سؤالاتش مورد توجه فراوان استادش قرار گرفت. این درس به خواست ایشان و برادرش مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضا محامی از جناب استاد برقرار شد. سپس استاد محمدرضا حکیمی و حضرات آیات: سید محمود مجتهدی و اخوان سیدان آقایان: سید عباس و سید جعفر بدان افزوده شدند. وی هم‌زمان با تحصیل به تدریس پرداخت و بیش از نیم قرن به تدریس سطوح عالییه و خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان فراوان پرورش داد و یکی از ارکان اصلی تدریس در حوزه مشهد مقدس بود. وی در خلال تحصیل و تدریس همراه برادرش از فعالین انقلاب و از کُنشگران روحانیت در زمان رژیم سابق بودند. ایشان عالمی ربانی و متخلق به اخلاق اسلامی، متواضع، بی‌ادعا، خوش خلق، خوش مجلس، مهمان‌نواز و سخاوتمند بود و طبعی کریم و بزرگ داشت.

فرزند برومندش حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مصطفی محامی امام جمعه محترم زاهدان است.

وی در ۸۷ سالگی در روز جمعه ۷ خردادماه سال ۱۴۰۰ ش (۱۶ شوال المکرم ۱۴۴۲ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش روز شنبه ۸ خردادماه پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله سید جعفر سیدان در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله شریعتمداری

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمدتقی شریعتمداری یکی از علمای مشهور تهران بود. معظم له در روز شنبه ۱۹ خردادماه سال ۱۳۱۳ ش (۲۵ صفر الخیر ۱۳۵۳ ق) در تهران در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامرضا شریعتمداری نواده دختری آیت الله

حاج شیخ علی شریعتمدار فرزند آیت الله العظمی شیخ محمد جعفر شریعتمدار بوده است. وی پس از تحصیلات نخستین، علوم ادبی را نزد آقای حاج سید مرتضی آل طعمه و حاج سید مرتضی تنکابنی، سطوح را نزد آیت الله سید صدرالدین رضوی قمی، سطوح عالیّه را نزد حضرات آیات: سید عباس فشارکی و شیخ عبدالرزاق قائینی آموخت. دروس معقول را از حضرات آیات: سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، شیخ ابوالحسن شعرانی، استاد شهید مرتضی مطهری و آیت الله سید محمد سعادت مصطفوی و زبان انگلیسی، فیزیک و شیمی را نزد استاد رضا روزبه و هیئت را نزد مرحوم آقای سید باقر هیوی فراگرفت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: سید احمد خوانساری و میرزا محمد تقی آملی حاضر شد و تقریرات دروس آنان را نگاهت و هم زمان به تألیف و تدریس در مدرسه مروی و اقامه جماعت در مسجد دباغ خانه و خدمات اجتماعی پرداخت و این بیش از نیم قرن از عمر شریفش را تشکیل داد. او در نیمه نخستین عمر خویش دلبسته و دلدادۀ فلسفه و از شاگردان خاص و ممتاز استاد شهید مطهری بود، اما در نیمه دوم عمرش از فلسفه روی گرداند و منتقد آن شد و تقریرات دروس شرح منظومه استاد مطهری را با حواشی انتقادی خویش منتشر کرد. دکتر عبدالکریم سروش می نویسد:

دیروز شانزدهم خرداد ۱۴۰۰ خورشیدی استاد دانا و پارسای من در فلسفه اسلامی جناب شیخ محمد تقی شریعتمداری درگذشت و مرا با انبوهی از خاطرات و اندوهی عظیم ترک گفت. درود و رحمت و رضوان حق بر او باد که قلبی سلیم و حلیم داشت و آموزگاری مشفق و چیره دست بود و خردترین سؤالات را با تحمل می شنود و با تسلط پاسخ می داد. آنچه را می گفت نیکوآمده بود و نیکو بیان می کرد. از شاگردان مرحوم مطهری بود و من به اشارت و سفارش او بود که ابتدا به مسجد و سپس به درسش رفتم. با من لطفی خاص داشت و عنایتی ویژه مبذول می داشت. از او بسیار آموختم و به او بسیار مدیونم. وی در نیمه دوم عمر به فلسفه پشت کرد و صرفاً به تدریس فقه و حدیث پرداخت. حتی تقریرات منظومه حکمت را که نزد مطهری آموخته بود و در دفاتری گرد آورده بود به مطهری، به نشانه اعتراض، باز پس داد و پاک دست و دامن از معقول بشست و دست در دامن منقول کرد. پس از آن تحول روحی هم چند بار، پیش و پس از انقلاب، او را دیدم نشاط بحثی پیشین را نداشت و مرا هم دعوت می کرد تا اسفار را فرودگذارم و اصول کافی بخوانم و اجمالاً با من گفت: که ملاقات با یک شخصیت پرجاذبه سبب دگرذیسی او شده است. حس می کردم پس از تلاطم های عنیف فکری، اکنون به محل امن و سلام رسیده است. با حرمت و فروتنی یکدیگر را وداع کردیم. تا امروز که دریغگویان خبر ناگوار درگذشتش را شنیدم. باز جدال عقل و وحی و معقول و منقول ذهن را بشولیده کرد و اکنون به خود و عاقبت خود می اندیشم که راهرو کدام راه و ساکن کدام مسکنم؟ بانگی از درونم مولانا جلال الدین را ندا می دهد که:

همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد چو فروشدم به دریا چو تو گوهرم نیامد

چه عجب که دردل من گل و یاسمن بخندد که سمنبری لطیفی چو تو در برم نیامد

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ».

صدیق محترم جناب حاج شیخ علی شهسواری می نویسد:

در سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ توفیق حضور در محضر ایشان را داشتم. شرح تجرید و رسائل و مکاسب تدریس می فرمودند و مباحثی در امامت و ولایت داشتند. در ابتدای دروسشان به توصیه ایشان یکی از طلاب از مرآة العقول می خواند و ایشان توضیح می داد. از طریق ایشان با کتب فراوانی در موضوع امامت آشنا شدم و به ویژه کتاب باعظمت الصراط المستقیم علامه بیاض عاملی.

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. اصول دین (ج ۱: خداشناسی)
۲. تعلیقه بر ریاض العارفین فی شرح صحیفه سید الساجدین
۳. نسیم بهشت (۲ ج: شرح چهل دعای نخست صحیفه سجادیه)
۴. سخنرانی مباهله
۵. تفسیر سورة الحمد
۶. تقریرات شرح المنظومه، تقریر دروس شرح منظومه استاد مطهری با تعلیقات خودش
۷. شرح خطبه فدک (فارسی)
۸. مقدمه و پاورقی: شرح الخطبة الفدکیة (علامه مجلسی)

و آثار غیر چاپی اش عبارتند از:

۱. تقریرات درس اصول آیت الله میرزا محمد تقی آملی
۲. تقریرات درس فقه آیت الله آملی
۳. تقریرات درس فلسفه استاد مطهری

آن مرحوم در ۸۷ سالگی در روز دوشنبه ۱۷ خردادماه سال ۱۴۰۰ ش (۲۶ شوال المکرم ۱۴۴۲ق) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در صبح روز چهارشنبه ۱۹ خردادماه در مشهد مقدس و نماز آیت الله سید جعفر سیدان بر آن در دارالعبادة حرم مطهر امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله العظمی سیستانی در پیام تسلیت خویش نگاشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

خبر ارتحال عالم ربانی جناب آیت الله آقای حاج شیخ محمد تقی شریعتمداری (رضوان الله علیه)

موجب تألم و تأسف فراوان گردید. فقدان آن بزرگوار که از چهره‌های شاخص علمی و معنوی حوزه علمیه تهران و از جایگاه ممتازی در ترویج معارف قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) برخوردار بودند ضایعه‌ای دردناک و خسارتی عظیم است.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به آستان مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و به آقایان علما و طلاب و عموم مردم شریف تهران و به بستگان محترم و دیگر علاقمندان آن فقید سعید تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و برای بازماندگانشان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

حاج شیخ محمدتقی طاهری (۱۳۴۶-۱۴۴۲ق)

آقای حاج شیخ محمدتقی طاهری قمی یکی از فضیلت‌های حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در سال ۱۳۴۶ق (۱۳۰۶ش) در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی طاهری و نیای بزرگوارش آخوند ملا محمد طاهر اشعری^۵ (م ۱۳۵۱ق) از شاگردان علامه شیخ محمدتقی هروی (م ۱۲۹۹ق) و برادرش آیت‌الله حاج شیخ علی اصغر اشعری قمی^۶ بوده است. وی در نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات را نزد پدر بزرگوارش، سطوح را نزد استاد شهید مطهری و سطوح عالی‌ه را نزد حضرات آیات: بهاء‌الدینی، گلپایگانی و سلطانی طباطبایی آموخت. پس از آن در دروس خارج آیات عظام: آقای بروجردی، امام خمینی، آقای گلپایگانی، شیخ عباسعلی شاهرودی و آقای مرعشی نجفی حاضر شد و بهره‌های فراوان برد. سپس سالیانی چند به امر آیت‌الله بروجردی برای تبلیغ دین و مبارزه با بهائیت به بروجرد رفت و پس از اقامتی چندساله در سال ۱۳۵۲ش به دستور آیت‌الله العظمی گلپایگانی به قروه (کردستان) رفت و سالیان فراوان به تبلیغ دین، اقامه جماعت و مبارزه با فرقه‌های انحرافی و رژیم شاه پرداخت و مدتی هم زندانی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سمت امامت جمعه قروه برگزیده شد و چند سالی در این منصب به خدمات دینی، اجتماعی و عمرانی به مردم پرداخت تا آنکه در سال ۱۳۶۳ش به زادگاهش بازگشت و به تبلیغ و تحصیل و تدریس اشتغال جست.

سرانجام در ۹۳ سالگی در روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ش (۲۶ رمضان ۱۴۴۲ق) بدرود حیات گفت و پیکرش در روز دوشنبه ۲۷ رمضان پس از نماز برادرزاده‌اش حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد حسین اشعری در قبرستان باغ بهشت به خاک خفت.

۵. انصاری، ناصرالدین، اختران قم، ج ۱، ص ۲۲۵.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۶۱.